

فقاہت، در رشته حکمت و ادبیات و گاه در ریاضیات نیز دست داشته و کتب موسوم این رشته‌ها را تدریس کرده‌اند و طلاب با اقامت در آن حوزه علوم عقلی و نقلی را تقریباً بطور برابر فرامی‌گرفته‌اند.^۱ البته باید توجه داشت که به‌طور کلی در همه دوره‌ها، مایه اصلی حوزه‌های علمی مشهد، همچون دیگر حوزه‌های علمی رشته فقه بود و بیشتر اساتید و محصلین به این رشته معروف می‌گشته است. لذا در کتاب علمای خراسان گاه به نام افراد برخورد می‌کنیم که فقط در این رشته تخصص داشته و یا لااقل در دیگر رشته‌ها معروفیتی نداشته‌اند ولی گمان نزدیک به یقین می‌رود که این حوزه در اوائل قرن چهاردهم و اواخر قرن سیزدهم از این قاعده مستثنی بوده و علوم عقلی و ادبیات بیش از فقه و علوم نقلی رواج داشته است.^۲ نویسنده کتاب مطلع الشمس در این باره می‌نویسد «طلاب غالباً ذوق علوم معقوله و ادبیات دارند».^۳ البته در همین دوران مخالفت‌هایی با فلسفه و علوم عقلی می‌شده است، بطور کلی آقا نجفی در سیاحت شرق می‌گوید: «لکن شرح مطالع و تشریح تجرید را در خفا خواندیم یعنی پیش از اذان صبح

۱- خامنه‌ای، گزارشی از سابقه تاریخی و ...، ص ۲۰.

۲- همان، ص ۲۲.

۳- همان، ص، ۲۲.

می‌رفتیم مدرسه نو، که پشت مسجد گوهرشاد است، درس می‌گرفتیم و هنوز تاریک بود برمی‌گشتیم که علما و طلاب غالباً مقدس بودند.

کتاب معقول را مطلقاً از کتب ضلال می‌دانستند و اگر کتاب مثنوی را در حجره کسی می‌دیدند با او رفت و آمد نمی‌کردند که کافر است و خود کتاب‌ها را نجس می‌دانستند و با دست مسّ جلد او نمی‌کردند ولو خشک بود که از جلد سگ و خوک نجس‌تر می‌دانستند چون آنها را نخوانده بودند.^۱

با تشکیل حوزه درسی معارف میرزا مهدی اصفهانی که در حقیقت تدریس علم کلام ورود مطالب فلسفی و عرفانی بود که مکتبی ضد فلسفی بنا گذاشته شد و ظرف بیست سال توسط او شاگردانی تربیت شد که برخی از آنان مبانی وی را ترویج و تدریس می‌کنند. بر اثر اشاعه مبانی وی بود که تدریس فلسفه در حوزه مشهد منسوخ شد.^۲

حوزه علمیه اصفهان

روی کار آمدن دولت صفویه و انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت این شهر را مجمع علما و فقهای بزرگ کرد. با وجود لطمات فراوان ناشی از حمله افغانه و تصرف شهر توسط آنان و مهاجرت بسیاری از علما به نجف به

علت تعلق سنتی علمای شیعه به آن^۱ در دوره قاجار مجدداً به‌عنوان یکی از حوزه‌های درجه اول کشور مطرح شد. به‌طوری که پس از خواندن مقدمات، نجف یا اصفهان را به‌عنوان محل تکمیل تحصیلات خود برمی‌گزیدند.^۴

وجود گرایش‌ها و سلیقه‌های مختلف در حوزه اصفهان این شهر را به‌صورت مکتبی فقهی فلسفی درآورده بود.^۳

وجود شخصیت‌هایی چون سید محمد باقر شفتی (حجه‌السلام)، حاج ملا ابراهیم کرباسی (کلباسی)، ملا علی نوری، جهانگیری قشقایی، آخوند کاشی موجب شد که عده زیادی از علمای بزرگ ایران بخش عمده‌ای از تحصیلات‌شان را در مدارس این شهر بگذرانند.

۱- قوچانی، آقا نجفی، سیاحت شرق یا زندگینامه آقا نجفی، مصحح ع شاکری، چاپ دوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۲، ص ۷۳-۷۲.

۲- خامنه‌ای، ص ۲۷-۲۶.

۳- اقامت علمای بزرگی چون محقق کرکی، علامه مجلسی و ... حوزه اصفهان را عامل حفظ اسناد فرهنگ تشیع قرار داد. گردآوری مجموعه عظیم بحار^۱ا نوار نسخه‌برداری از کتاب‌های نفیس علمای شیعه و حتی «اگر امروز کتاب‌های اصحاب ائمه و علمایی همچون صدوق کلینی، شیخ طوسی، محقق حلّی، خواجه طوسی و ... در دسترس ماست، این امر تا حد بسیار زیادی مرهون خدمات حوزه علمیه اصفهان، با تلاش‌ها و رهبری علامه مجلسی می‌باشد (موحد ابطحی، آشنایی با حوزه‌های علمیه در طول تاریخ، صص ۶۹-۳۶۸.

۴- مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، جلد دوم، ص ۱۱۸.

از میان شخصیت‌های متعددی که در این شهر به تدریس اشتغال داشته، برخی در مقام فقه و افتاء^۱ و حلّ و فصل امور مردم و برخی از لحاظ علمی و فلسفی، از شخصیت‌های درجه اول محسوب می‌شوند.

با وجودی که مدارس اصفهان هشتاد و سه باب و به روایت شاردن پنجاه و هفت باب بوده و از آن دوره تا عهد قاجار به چهارده مدرسه تقلیل یافته^۲، ولی به دلیل همان سنت رایج برخی از رجال در عصر قاجار، آنان مبادرت به ایجاد مدارس نموده‌اند. مدرسه صدر بازار، صدر خواجو، پاقلعه^۳ و نیز مدرسه کلباسی و مدرسه مسجد سید^۴ از مدارسی است که در عصر قاجار احداث گردیده است.

۱- از میان صاحبان مقام افتاء یکی محمد باقر شفتی ملقب به حجه الاسلام است. (یادگار، شماره دهم، خرداد ۱۳۲۸، ص ۴۱).

۲- عبدالرحیم غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۲۶.

۳- سه مدرسه اول از مستحدثات حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی، معروف به امین الدوله است که در ابتدای تاجگذاری آقا محمدخان (۱۲۱۰) به حکومت اصفهان منصوب شد و در دوره فتحعلی شاه حکومت اصفهان قم و کاشان به همراه بیگلر بیگی اصفهان را عهده دار شد و ... وی به تقلید سلاطین صفوی اقدام به احداث بناهای متعدد می‌نماید (تاریخ مدارس در ایران، ص ۲۹۵ و ۳۰۱).

۴- این بنا که توسط سید محمد باقر شفتی ایجاد شد، یکی از آخرین نمونه‌های مسجد-مدرسه در عهد مذکور است.

مدارس تهران

تهران که تا قبل صفویه دهی بیش نبود، در عصر تهماسب اول مورد توجه قرار گرفت و بر آن بارو قرار دادند. کریم‌خان بر بناهای آن افزوده و بالاخره آقا محمدخان آن را به عنوان پایتختش برگزید. گزینش تهران به عنوان پایتخت آن را به تدریج به مرکز ثقل تحولات مختلف اجتماعی بدل نمود. ظهور رجال اصلاح طلب که عمده فعالیت خود را در تهران متمرکز نمودند و همچنین ایجاد موسسات تمدنی جدید و رفت و آمد خارجیان به این شهر، تهران را از دیگر شهرهای ایران متمایز می نمود.

با وجودی که پیش از قاجار مدارس چندی در تهران دایر بود ولی در دوره قاجار، تعداد از لحاظ کمی و کیفی دگرگونی چشمگیری یافت، با منسوخ و یا کم رنگ شدن تدریس حکمت، دروس طبیعی و الهی و ریاضی در دیگر بلاد ایران این دورس در تهران دایر بودند و طلاب به رغبت مشغول به تحصیل آن بودند. دعوت فتحعلی شاه از ملا علی نوری و فرستادن عبدالله زنوزی به جای خود برای تدریس حکمت و بدنبال آن آمدن ابوالحسن جلوه، محمدرضا قمشه‌ای، میرزا جهانگیرخان قشقایی و عدّه دیگری از مدرسان، به رونق نسبی فلسفه و حکمت در تهران انجامید.